



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 17 Issue: 46

Spring 2026

Pages: 53-78

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2026.70849.2620

Received: 2025/12/29

Received in revised form: 2026/04/23

Accepted: 2026/05/19

Published: 2026/06/15

The Soraya Newspaper's Approach to Opponents of Modern Schools in Iran

Masoumeh Khazeni¹| Nasrollah Pourmohammadi Amlashi²| Hojjat Fallah Toutkar³| Mohsen Bahram Nejad⁴

Abstract

The inefficiency of Iran's educational system during the Qajar period, together with the opposition of traditionalist groups to modern forms of education, prompted critical responses from contemporary intellectuals and journalists. Soraya, one of the influential newspapers of the reign of Mozaffar al-Din Shah, was among the publications that took advantage of the relatively free press environment in Egypt and its independence from censorship in Iran to publish numerous critical articles on educational reform. Given the significance of this issue, the present study employs a descriptive-analytical approach to examine how Soraya addressed the obstacles to educational reform in Iran and the strategies it adopted in confronting opponents of modern education. The findings indicate that, in addition to advocating the replacement of the traditional and inefficient school system with a modern educational model, Soraya, as a newspaper published outside Iran, reflected the broader conflict between reformist and conservative currents. It also strongly criticized traditionalist clerics and other opponents of modern schools who, according to the newspaper, invoked religious concerns to hinder their expansion and preserve their social influence. As one of the more outspoken newspapers of the period, Soraya contributed to the formation of a critical discourse on educational modernization and supported the expansion of modern schools by bringing traditionalist opposition into public debate, drawing on Western historical experiences, and appealing to Islamic principles. By encouraging the founders and supporters of modern schools to resist conservative opposition, the newspaper played a distinctive role in promoting educational reform in comparison with many other contemporary publications.

Keywords: modern schools, Qajar period, Soraya newspaper, Mirza Ali-Mohammad Khan Kashani, traditional institutions.

1. PhD Candidate in Post-Islamic Iranian History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author) Khazeni213@yahoo.com

2. Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran poor_amlashi@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran h.fallah134@gmail.com

4. Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran bahramnejad1345@yahoo.com



lisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۷، شماره: ۴۶

بهار ۱۴۰۵

صفحات: ۵۳-۷۸

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/jiiph.2026.70849.2620

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

رویکرد روزنامه‌تρία نسبت به مخالفان مدارس جدید در ایران

معصومه خازنی^۱ نصراله پورمحمدی املشی^۲ حجت فلاح توتکار^۳ محسن بهرام‌نژاد^۴

چکیده

نظام ناکارآمد آموزشی ایران در عصر قاجار و مخالفت‌های طرفداران سنت با نظام آموزشی جدید، واکنش روشنفکران و روزنامه‌نویسان آن دوره را در پی داشته‌است. روزنامه‌تρία به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین روزنامه‌های ایران دوره مظفری، ازجمله جرایدی است که با استفاده از آزادی موجود در مصر، به دور از فضای سانسور حاکم بر ایران، اقدام به درج نوشتارهای انتقادی متعددی در این باره کرده‌است. بر همین اساس و با توجه به اهمیت موضوع، چگونگی مواجهه‌تρία با موانع موجود در مسیر اصلاحات آموزشی در ایران مسئله‌ای است که در این مقاله موردتوجه قرار گرفته‌است و با روش تحلیل محتوا به این سؤال پاسخ داده شده که تρία چه رویکردی در مقابل این طیف از مخالفان داشته‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جدای از کنشگری این روزنامه در باب لزوم جایگزینی نظام آموزشی جدید و اصلاح نظام ناکارآمد مکتب‌خانه‌ای، تρία در مقام یک رسانه برون‌مرزی، نه‌تنها بازتاب‌دهنده مناقشه میان جریان‌های نوگرا و مخالفان تجدد آموزشی بود، بلکه در مقابل سنت‌زدگان و روحانیان مخالف مدارس جدید که بیشتر به‌دلیل تزلزل جایگاهشان در نظام آموزشی ایران و به بهانه‌های مذهبی، مانع گسترش این مدارس می‌شده‌اند، واکنش‌های تندی نشان داده‌است. تρία به‌عنوان یکی از رادیکال‌ترین روزنامه‌های عصر مظفری، با نقد صریح موانع سنتی و بهره‌گیری از تجربه تاریخی مغرب‌زمین و همچنین استناد به شریعت، نقشی مؤثر در شکل‌دهی گفتمان انتقادی پیرامون نوسازی آموزشی و حمایت از مدارس جدید ایفا کرده‌است و با وارد کردن مخالفت‌های سنت‌گرایان به صحنه بحث عمومی و تشویق بانیان آموزش نوین به مقابله با مقاومت‌ها، نسبت به دیگر جراید آن دوره اثرگذاری ویژه‌ای در پیشبرد اصلاحات آموزشی داشته‌است.

کلیدواژه‌ها: مدارس جدید، دوره قاجار، روزنامه‌تρία، میرزا علی محمد خان کاشانی، نهادهای سنتی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

Khazeni213@yahoo.com

poor_amlashi@yahoo.com

h.fallah134@gmail.com

bahramnejad1345@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۴. استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران



مقدمه

از اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و به دلیل آشنایی ایرانیان با نوآوری‌ها و وجوه فکری تمدن غرب که بیشتر نتیجه مشاهدات ایرانیان از مغرب‌زمین بود، به عقب‌ماندگی ایرانیان در حوزه‌های مختلف پی بردند.^۱ یکی از حوزه‌های مهم موردتوجه این طیف از روشنفکران، نظام آموزشی و تعلیم و تربیت ایران بود. به همین دلیل اوایل قرن چهاردهم هجری در ایران، دوره‌ای است که در آن جدال بر سر مدارس جدید به یکی از مهم‌ترین مناقشات فکری و اجتماعی بدل شد. اصلاح‌طلبان نظام آموزشی، آموزش نوین را شرط اساسی پیشرفت ایران می‌دانستند و با پی بردن به کاستی‌های این نظام آموزشی و پیامدهای منفی حاصله از آن، در نوشتارهای خود ضمن بیان آن‌ها، سعی در آگاه ساختن جامعه و رفع این نواقص داشته‌اند. به اعتقاد اینان نظام آموزش مکتب‌خانه‌ای دیگر جواب‌گوی نیازهای آن دوره از تاریخ نبوده و چاره‌ای جز اصلاح نظام آموزشی قدیم و جایگزینی روش‌های نوین آموزشی تجربه‌شده در غرب نمی‌دیدند. چنین نظریاتی درنهایت جنبه‌ی عملی به خود گرفت و برخی از ایرانیان از اواخر دوره ناصری و دوره مظفری اقدام به تأسیس مدارس جدید در ایران کردند؛ اقدامی که بخشی از گروه‌های سنتی جامعه به‌ویژه برخی محافل روحانی و کانون‌های ذی‌نفع در ساختار آموزشی قدیم، آن را تهدیدی برای ارزش‌های دینی و توازن قدرت در نظام آموزشی دانسته و به مقابله با آن برخاستند. چنین تنش‌ی در سطح نهادهای داخلی ایران باقی نماند، بلکه در فضای مطبوعاتی خارج از کشور نیز بازتابی گسترده یافت.

در این میان روزنامه‌ی ثریا به مدیریت میرزا علی‌محمد خان کاشانی به‌عنوان یکی از اندیشه‌گران رادیکال^۲ دوره‌ی قاجار، در زمره یکی از مهم‌ترین جرایدی است که به‌واسطه‌ی

۱. ثریا در اثبات این ادعا می‌نویسد: «امروز چون گرفتار فلاکت و نادانی هستیم و راحت علم ندیده‌ایم آنقدر که باید از حال زار خویش خبر نداریم و نمی‌دانیم ثمره علم و دانش چیست، فایده مکتب و دانایی اطفال چه؟ اگر چند سالی در ملک خارجه بمانیم و بعد به ایران مراجعت کنیم شاید آن وقت درجه فلاکت خویش بدانیم. ماهی اگرچه برحسب اقتضای طبیعت در آب لجن معذب باشد ولی آن وقت درجه صدمه خود را خواهد دانست که در چشمه باصفا و روشن با هم‌چنان خویش معاشرت کند و از صفای چشمه و صحبت هم‌نشین متلذذ گردد» (ثریا، خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا، ۱۵ صفر ۱۳۱۷، ۱۴). (مشایخی، احمد، ۱۳۸۹). «تحولات آموزشی نوین در عصر قاجار و تاثیر آن بر گسترش تأسیس مدارس در بوشهر»، تاریخ ایران دوره اسلامی، ش ۱، ۱۰۵-۱۱۰.

۲. منظور از رادیکال بودن ثریا، اتخاذ مواضع صریح و ساختارشکنانه نسبت به نهادهای سنتی و مقاومت‌های اجتماعی در برابر نوسازی آموزشی است؛ رویکردی که می‌تواند از یک سو موجب جلب توجه به ضرورت اصلاحات و پیشبرد آموزش نوین و از سوی دیگر واکنش محافظه‌کاران، دفع برخی گروه‌های سنتی و محدود ساختن روزنامه به محافل خاص شود.

بهره‌گیری از آزادی نسبی مطبوعات در مصر، این موضوع را به کرات موردتوجه قرار داده با صراحت بیشتری نسبت به دیگر جراید، به نقد موانع نوسازی آموزشی در ایران پرداخته و با نوشتارهای تند و ارائه راهکارهایی سعی در کمک‌رسانی به اصلاح‌گران آموزشی حاضر در ایران داشته‌است. موضوعی که در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت و بدین سؤال پاسخ خواهیم داد که رویکرد روزنامه‌تريا در مقابل این مخالفت‌ها چه بوده و چه راهکارهایی برای مقابله با چنین مخالفت‌هایی و تداوم اصلاح نظام تعلیم و تربیت ایران پیشنهاد داده‌است.

درباره پیشینه پژوهش می‌توان گفت مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته و به آن‌ها دسترسی داشته‌ایم، نشان از این دارد که تحقیق مستقلی درباره موضوع موردنظر صورت نگرفته‌است. بیشتر مطالعات صورت‌گرفته در این باره، معمولاً بر نقش میرزا حسن رشیدیه و مخالفت‌های صورت‌گرفته با وی و مقاومت بخش‌هایی از روحانیت با نظام آموزشی جدید تأکید کرده‌اند. اقبال قاسمی پویا از شناخته‌شده‌ترین محققانی است که در کتاب خود بدین موضوع پرداخته و از مخالفت‌های صورت‌گرفته با مدارس جدید و چرایی این مخالفت‌ها سخن به میان آورده‌است.^۱ مونیکا رینگر نیز در کتاب *آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، می‌خواهد نشان دهد که چرا آموزش و مدارس جدید به کشمکش میان سنت‌گرایان و تجددخواهان در ایران تبدیل شده‌است و در این کتاب اشاره می‌کند برخی اصلاحات آموزشی در ایران را عامل پیشرفت و نوسازی می‌دانستند و طیف طرفداران سنت، آن را تهدیدی برای دین، سنت و جایگاه اجتماعی خود تلقی می‌کرده‌اند.

ستار زارعی و غلامحسین زرگری‌نژاد در مقاله «نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر»^۲ به بررسی رویکرد روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ مصر در موضوع تعلیم و تربیت پرداخته‌اند، ولی به دلیل گستردگی موضوع پژوهش، حجم کمی از مقاله را به رویکرد *تريا* در این باره اختصاص داده‌اند. نویسندگان این مقاله در باب واکنش‌های صورت‌گرفته در برابر مخالفان مدارس جدید، اشارات بسیار کوتاهی به *تريا* داشته و تنها به شماره ۳۶ سال اول استناد کرده‌اند. در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان

۱. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، *مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشروان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲. زارعی، ستار و غلامحسین زرگری‌نژاد. (۱۳۹۷)، «نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران دوره قاجار از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۰، ۱۱۵-۱۳۷.

«روحانیون و مدارس جدید ایران»^۱ که توسط محمود محمدی در *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی* به چاپ رسیده، نگارنده معتقد است برخلاف نتایج تحقیقات صورت گرفته و بازنمایی منفی نقش روحانیون در تأسیس مدارس جدید، روحانیون منفعل نبوده و نقش تشویقی و مشارکتی داشته‌اند. نویسنده در استنادات خود در این باب، اشاره‌ای به روزنامه *ثریا* نکرده‌است. صادق آبسالان نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «پروبلماتیک شدن گفتمان آموزش در ایران و آغاز منازعه گفتمانی پیرامون نهاد آموزش در دوره قاجار»^۲ موضوع پیدایش گفتمان آموزش جدید در ایران و چرایی مخالفت‌های صورت گرفته با آن را موردتوجه قرار داده‌است، ولی از هیچ منبع روزنامه‌ای استفاده نکرده‌است. البته برخی پژوهشگران موضوع روزنامه‌ها و مدارس جدید را به صورت مستقل موردتوجه قرار داده‌اند. مهدی فرجی در کتاب *حبل‌المتین و ترقی ایران (نگاهی انتقادی به راهکارهای روزنامه حبل‌المتین کلکته در حوزه علوم جدید و تعلیم و تربیت عمومی)*^۳، و محمد رادمرد و سید نصرالله حجازی در مقاله‌ای تحت عنوان «تلقی روزنامه حکمت از لزوم تأسیس مدارس جدید»^۴ موضوع مدارس جدید را موردتوجه قرار داده‌اند. با توجه به چنین پیشینه‌ای، تمرکز بر این خلاء مطالعاتی و جای خالی تحلیل محتوایی مواضع *ثریا* در برابر مخالفت‌های صورت گرفته با مدارس، نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند با بررسی شماره‌های روزنامه *ثریا* در مصر، رویکرد این روزنامه و مدیر آن در باب مخالفت‌های صورت گرفته با مدارس جدید را موردبررسی قرار دهند. پژوهشی که می‌تواند به فهم عمیق‌تر از نسبت میان مطبوعات برون‌مرزی دوره قاجار و پروژه نوسازی آموزشی در ایران منجر شده و جایگاه *ثریا* را در این فرایند روشن‌تر سازد.

۱. محمود محمدی (۱۳۹۴)، «روحانیون و مدارس جدید ایران»، *تربیت اسلامی*، ش ۱۰، ۱۰۷-۱۳۰.

۲. آبسالان، صادق (۱۳۹۸)، «پروبلماتیک شدن گفتمان آموزش در ایران و آغاز منازعه گفتمانی پیرامون نهاد آموزش در دوره قاجار»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ش ۱۱، ۱۰۳-۱۲۸.

۳. مهدی فرجی (۱۳۹۹)، *حبل‌المتین و ترقی ایران (نگاهی انتقادی به راهکارهای روزنامه حبل‌المتین کلکته در حوزه علوم جدید و تعلیم و تربیت عمومی)*، تهران: نقد فرهنگ.

۴. محمد رادمرد و سید نصرالله حجازی (۱۳۹۶)، «تلقی روزنامه حکمت از لزوم مدارس جدید»، *رهافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۸، ۶۸-۸۹.

وضعیت نظام آموزشی دوره قاجار

برای فهم چرایی مخالفت‌های صورت گرفته با نظام آموزشی دوره قاجار و واکنش‌های صورت گرفته از سوی ثریا در برابر مخالفان مدارس جدید، بایستی به سازوکار مکاتب سنتی دوره قاجار بپردازیم. به‌طور کلی یکی از علل نوظهوری و گرایش به گسترش مدارس جدید و واکنش روزنامه‌مورد مطالعه در این باب، وضع آموزشی مکتب‌خانه‌ها و پیامدهای آموزشی آن‌ها بوده که آزادی‌خواهان و فرهنگ‌پژوهان آن دوره پیوسته آن وضعیت را مورد انتقاد قرار می‌دادند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۴). به عبارت بهتر آگاهی از کیفیت آموزشی مکتب‌خانه‌ها و به‌طور کلی وضع آموزش و پرورش آن دوره پیش از آغاز فعالیت مدارس جدید، در تبیین و پیشبرد اهداف تحقیق مؤثر خواهد بود.

نخستین جایگاه آموزشی در اسلام مساجد بوده‌اند. به همین دلیل نخستین مکتب‌خانه‌ها نیز در مساجد تشکیل می‌شد. در دوره قاجار علاوه بر مسجدها بیشتر مکتب‌خانه‌ها در سر گذرها، دکان‌ها، خانه‌های شخصی آخوندها و یا خانه‌های کسانی که به‌طور رایگان مکان خود را در اختیار آخوندها و یا مکتب‌دارها می‌گذاشتند، تشکیل می‌شد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۵). بازه زمانی در این مکاتب مشخص نبود و بستگی به این داشته طفل در چه مدت زمانی کتب معین و مقرر را تمام خواهد کرد (امید، ۱۳۲۲: ۹). شرط سنی خاصی برای حضور در مکتب وجود نداشت و هر فردی با هر سنی می‌توانست وارد مکتب‌خانه شود. حتی ممکن بود شاگردی چهارساله باشد و شاگردان دیگر چهارده یا پانزده سال داشته باشند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۸؛ فخرایی، ۱۳۵۳: ۴۸).

بانی و مدیر مکتب را در آن دوره مکتب‌دار می‌گفته‌اند. اگر مکتب‌دار معمم بود آخوند و اگر باکلاه بود میرزا، اگر هم از سادات بود، به او آقا می‌گفتند. تأسیس مکاتب تابع هیچ‌گونه

۱. بنجامین، نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، در کتاب *ایران و ایرانیان عهد ناصرالدین شاه* یکی از دکان‌هایی که به‌عنوان مکتب مورد استفاده قرار می‌گرفته را این چنین توصیف کرده‌است: «مکتب‌خانه‌های طهران مانند دکان‌ها کاملاً به‌طرف کوچه و خیابان باز هستند و عابران می‌توانند داخل مکتب‌خانه‌ها را که در حقیقت یک دکان بزرگ است مشاهده کنند. مکتب‌دار پیر که عینکی روی بینی خود دارد و تمام حواسش متوجه خارج از مکتب و عابرانی است که از جلوی آن می‌گذرند و می‌توان گفت یک چشم و نصفی او متوجه خارج بوده و فقط با نیمی از یک چشم خود به بچه‌هایی که به ردیف و چهارزانو، جلوی او نشست‌اند و به درس خواندن دسته‌جمعی آن‌ها گوش می‌دهد» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۷۵).

محدودیت و قانون و مقررات ویژه‌ای نبود و هرکسی با هر میزان از دانش می‌توانست مکتبی را دایر و مکتب‌داری بکند. به دلیل همین عدم نظارت بر تأسیس مکاتب، مردم یگانه مرجع تشخیص اهلیت مکتب‌داران و مکتب‌خانه‌ها بودند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۹-۵۲). صلاحیت آخوند به عنوان معلم مکتب‌خانه هیچ‌گاه مورد بحث واقع نمی‌شد و در نتیجه افراد بی‌سواد در میان این مکتب‌داران زیاد دیده می‌شد (امید، ۱۳۲۲: ۹-۸).

رحیم رضازاده ملک که نگاهی انتقادی به مکاتب سنتی ایران دارد، مکتب‌خانه‌های عمومی را به دکانی^۱ تشبیه کرده که «هرکس از هر کاری درمانده و رانده شده، در سر کوچه عده‌ای بچه را جمع کرده و میان گردوخاک و زباله و دود به او تعلیم می‌دهد» (رضازاده ملک، ۱۳۵۴: ۱۲۳). یحیی دولت‌آبادی که به هنگام طفولیت در این مکاتب به تحصیل پرداخته درباره میزان سواد معلم مکتب محل تحصیل خود می‌نویسد: «معلم ما چون می‌خواهد مطلبی را بیان کند، رنگ صورتش قرمز می‌شود. زبانش لکنت گرفته عاجز می‌ماند، به طوری که گاهی در بین درس گفتن سکوت می‌کند و باز به زحمت بیان می‌نماید» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۵).

محتوای درسی یا به عبارت بهتر کتب و دروسی که در این مکاتب به اطفال آموخته می‌شد، یکی دیگر از معایب مدنظر منتقدان مکاتب سنتی و جراید آن دوره بوده است. دروسی که به اعتقاد اینان علاوه بر منطبق نبودن با علوم و احتیاجات آن عصر، برای اطفال در آن بازه سنی نامناسب و بی‌ثمر بوده است.^۲ بنا به گفته منابع برنامه مخصوصی در مکاتب وجود نداشته و دروس متفاوتی به سلیقه مکتب‌دار، ارائه می‌گردیده تا جایی که طفل کتاب موجود در خانه را با خود به مکتب می‌برد و مکتب‌دار خواندن همان کتاب را به وی می‌آموخت. به طور کلی مواد آموزشی به نوع مکتب‌خانه، هدف یادگیرنده و نیز طبقه اجتماعی دانش‌آموز بستگی داشته است (امید، ۱۳۲۲: ۷). همین آشفتگی در شیوه تربیتی کودکان

۱. استفاده از اصطلاح دکان برای محل مکتب‌ها به معنای محل بسیار کوچک است نه اینکه محلی برای کسب درآمد باشد (سرمد، ۱۳۷۲: ۹۲).

۲. ثریا به عنوان یکی از منتقدان محتوای تدریس شده در مدارس ایران می‌نویسد: «ای اهل وطن و نونهالان این خرابه گلشن، امروز حفظ غزلیات شیخ سعدی و علم به مناظرات عنصری و غزالی فایده به حال ما ندارد؟ باید دانست اقصی شرق کجاست و منازعه دول فرنگ در سودان برای چیست، ملت محترم آن چرا ذلیل شد و دولت معظم آن خوار؟ دست طمع طماعین خدانشناس اجانب چرا به طرف آن ملت بیچاره دراز شد و پای نحسشان به آنجا باز؟...» (ثریا، «مقاله مخصوصه»، ۲۸ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶: ۱۳).

باعث گردیده تا هر مکتب‌داری با استفاده از خلأهای قانونی و نبود نظام‌نامه مشخص برای مکتب‌ها، به هر شکل ممکن با کودکان تعامل کند (ارفع‌الدوله، ۱۳۴۵: ۱۱).

مواجههٔ ثریا با مخالفان مدارس جدید

ایران در دورهٔ قاجار، شاهد تلاش‌هایی برای نوسازی و بهبود نظام آموزشی خود بود؛ اقداماتی که با تأسیس مدارس جدید و ورود روش‌های نوین آموزش همراه بود. این مدارس نوپا که درصدد ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه بودند، با مخالفت‌هایی جدی از سوی برخی نهادهای سنتی و روحانی روبه‌رو شدند. این مقاومت‌ها دلایل متعددی داشت؛ برخی از علما و شخصیت‌های مذهبی، با استناد به آموزه‌های دینی و نگرانی از تغییر سبک زندگی و ارزش‌های جامعه، این مدارس را تهدیدی برای شریعت می‌دانستند. در مقابل، انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز در پس این مخالفت‌ها پنهان بود؛ کسانی که در قدرت و نفوذ اجتماعی خود محکم بودند، می‌کوشیدند سلطه خود را با حفظ جهالت و محدود کردن آموزش حفظ کنند. این برخورد میان سنت و تجدد، فرهنگی عمیق و پیچیده را در جامعه ایران آن زمان نمایان می‌کرد. مخالفت‌ها تنها محدود به انتقادهای لفظی نبود، بلکه گاهی به مانع‌تراشی عملی در برابر تأسیس مدارس و جلوگیری از فعالیت معلمان منجر می‌شد. بررسی واکنش‌های مطبوعاتی آن دوره، به‌ویژه روزنامه‌ها و نشریاتی که رویکرد نوگرایانه داشتند، نشان می‌دهد که این تضادها بیش از آنکه صرفاً مسئله آموزشی باشند، مسئله‌ای فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌آمدند. در این زمینه، روزنامه *ثریا* به‌عنوان یکی از این جراید، با نقد روشن و گاه تند مخالفت‌ها، تلاش کرد زمینه آگاهی و مقاومت فعال در برابر این موانع را فراهم آورد و تحلیل‌هایی از انگیزه‌ها و پیامدهای این مخالفت‌ها ارائه کند. *ثریا* به‌عنوان یکی از جراید شاخص ایران در دورهٔ قاجار، از سال ۱۳۱۶ق. در قاهره مصر به چاپ رسیده‌است؛ روزنامه‌ای که ادوارد براون آن را ارزشمندترین روزنامه فارسی‌زبان و صدر هاشمی آن را از روزنامه‌های مفید و بسیار خوب زبان فارسی دانسته‌اند^۱ (براون، ۱۳۷۷: ۳۰۵؛

۱. *ثریا* در دوره حکومت مظفرالدین شاه قاجار در قاهره مصر و به مدیریت مسئولی میرزا علی‌محمد خان کاشانی به چاپ می‌رسیده‌است (کهن، ۱۳۶۰، ۲۰۳). در ابتدای تأسیس سید فرج‌الله کاشانی که از تجار ایرانی مقیم مصر بود، با میرزا علی‌محمد خان شراکت داشته و نخستین شماره روزنامه *ثریا* در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ (۲۹ اکتبر ۱۸۹۸) منتشر شده‌است. کاشانی می‌گوید اندیشه تأسیس روزنامه در استانبول و زمانی که در آنجا مشغول به تحصیل بوده، در ذهنش خطور کرده‌است (*ثریا*، س ۱، ش ۱). البته مدیر

صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲/۱۵۵).

ثریا علاوه بر درج مطالب متعدد درباره چپستی و لزوم مدارس جدید برای ایران^۱، در واکنش به اخبارهای واصله در باب مخالفت‌های صورت گرفته با احداث مدارس، با ادبیاتی که به گفته خود روزنامه «دشمن تراش»^۲ بوده به مخالفان مدارس جدید، آموزش زنان و تعلیم زبان خارجه خصوصاً مخالفان در کسوت روحانیت تاخته برای مقابله با تأثیرات چنین مخالفت‌هایی، راهکارهایی برای بانیان مدارس ارائه داده‌است.

مهم‌ترین واکنش‌های ثریا در باب مخالفت‌های صورت گرفته با تأسیس مدارس جدید، واکنش به خبرهای واصله درباره ممانعت‌های صورت گرفته در شهرهای شیراز و تبریز در برابر احداث مدارس جدید است. نخستین واکنش به ماجرای ممانعت علمای شیراز، از تأسیس مدرسه‌ای مخصوص ایتام این شهر بوده، علمایی که هدف بانی مدرسه را از تأسیس آن، «تدریس بابی‌گری»، «بچه‌بازی»^۳ و «تدریس زبان کفار»^۴ عنوان کرده و درنهایت

ثریا قبل از انتشار این روزنامه در جراید/اطلاع، ایران و/اختر فعالیت داشته‌است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۰۰؛ کهن، ۱۳۶۰: ۱۰۱). میرزا علی محمد خان از شماره ۲۷ روزنامه در سال دوم با ثریا قطع همکاری کرده و از این شماره تا شماره ۳۶ به تاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۳۱۸ که شماره پایانی ثریا در قاهره می‌باشد، سید فرج‌الله حسینی مدیریت روزنامه را عهده‌دار گردیده پس از آن روزنامه را در شهرهای تهران و کاشان منتشر ساخته‌است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۴-۱۵۱). شیوه نگارش روزنامه به دلیل سادگی و فصاحت و درنتیجه قابل فهم بودن برای اقشار مختلف مردم آن دوره حائز اهمیت است. روزنامه پس از قطع همکاری میرزا علی محمد خان، از لحاظ محتوایی افت شدیدی پیدا کرده و طرفدارانش را از دست داده‌است (خسروی زارگر، ۱۳۸۶: ۳۷). کسروی معتقد است بعد از جدایی میرزا علی محمد خان، روزنامه اعتبار خود را از دست داده و حتی روزنامه ثریا چاپ کاشان را روزنامه‌ای بسیار پست می‌داند (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۱).

۱. برای نمونه روزنامه در مطالبی «حیات ملت» را وابسته به «حیات مدرسه» دانسته و با تشبیه ملت بی علم به ملت مرده، معتقد است اگر ملتی خواهان زندگی باشد چاره‌ای جز افتتاح مدارس برای آموختن علوم جدید ندارد. (ثریا، «ثریا»، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۳؛ «خون یحیی و تلال بیت المقدس - سد مدرسه انتظام الممالک و متن ثریا»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۶؛ «خون یحیی و تلال بیت المقدس - مدرسه انتظام الممالک و متن ثریا»، ۲۴ محرم ۱۳۱۷: ۱۱). همچنین از مدارس جدید با عنوان «علت غایی ترقی ملت»، «بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت» و «سفینه نجات» یاد کرده و جهالت را نشانه هم‌ردیف شدن با حیوانات می‌داند (ثریا، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ۸ شوال ۱۳۱۶: ۱۲؛ «ارکان بنای مدنیت»، ۵ شعبان ۱۳۱۶: ۱۱؛ «بشارت و تبریک»، ۲۶ ذی حجه ۱۳۱۶: ۷؛ «بقیه مقاله المدارس - من احیایا فکانما احیاء الناس جمیعاً»، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۴).

۲. «ما از حق گویی مضایقت نکردیم و از دشمن تراشی نترسیدیم...» (ثریا، «ثریا»، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: ۱۳).

۳. خبرنگار ثریا چنین خبر می‌دهد: «یوم افتتاح مکتب مذکور بود. شخصی از طرف یکی از علمای بزرگ بلاغی آورد بدین مضمون که به این اسباب‌ها بچه‌بازی کردن لازم نیست، کسی که خیال بچه‌بازی دارد بطریقه‌های دیگر هم می‌تواند. این اسباب را بر هم زنی و اطفال را پراکنده نمایند...».

۴. برخی از روحانیون حتی به دلیل چیده شدن صندلی و زده شدن زنگ در مدارس، آن را به کلیسا تشبیه می‌کرده‌اند (حیرت سجادی، ۱۳۸۰: ۲۹).

موفق به ممانعت از تأسیس این مدرسه گردیده‌اند (ثریا، «دارالعلم شیراز»، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۶: ۷-۸)؛ تهمت‌هایی که در آن دوره عمومیت داشته و حتی مدیران برخی مدارس چون رشیدیه و کمالیه توسط مخالفانشان به بابی بودن متهم شده بودند^۱ (صدیق، ۱۳۴۰: ۱۶؛ رشیدیه، ۱۳۷۰: ۳۴؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۳۶۲-۳۶۳).

میرزا علی‌محمد خان کاشانی در واکنش به خبر واصله از شیراز و جلوگیری برخی از علمای این شهر از تأسیس مدرسه مخصوص ایتام توسط «انتظام‌الممالک» فرزند رئیس ایالات خمسه فارس، به انتقاد از این عمل علما و انصراف بانی آن پرداخته‌است. انتقادی که واکنش برخی از مخاطبان ثریا را به‌دنبال داشته‌است. منتقدانی که در مواردی دلیل این کار علمای شیراز را صرفاً پیروی آنان از «خیالات شخصی» و «هواهای نفسانی» دانسته‌اند (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - سد مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۶-۷). تا جایی که «حیدر بغدادی» از دانشجویان ایرانی مقیم خارجه، اتهامات وارده بر بانی مدرسه را لایق خود مسببان پا نگرفتن این مدرسه دانسته‌است (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و ثریا»، ۲۴ محرم ۱۳۱۷: ۱۱).

این مخاطبان به‌صورت سلسله‌وار در مطالبی تحت عنوان مشترک «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - سد مدرسه انتظام‌الممالک و ثریا» واکنش‌های صورت گرفته به این اتفاق را به ماجرای کشته شدن حضرت یحیی توسط یهودیان، به جوش آمدن سالانه خون حضرت یحیی در کوه بیت‌المقدس و طلب انتقام یهودیان از این اتفاق تشبیه کرده‌اند.^۲ نویسنده از اقدام روحانیون شیراز با عنوان «ظلم شنیع» یاد کرده که به اعتقاد وی این افراد هم خودشان را از لذت دنیا و آخرت محروم کرده‌اند، هم حیات جمعی از ایرانیان را نابود ساخته‌اند و برای اثبات مدعای خود به برخی از شخصیت‌های تأثیرگذار غربی که علی‌رغم یتیم بودن و فقر، به‌واسطه تعلیم و تربیت، بانی خیر برای مردمان خود بودند اشاره کرده، از

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی دیدگاه متشرعان تهران هم‌زمان با ورود میرزا حسن رشیدیه را به تصویر کشیده‌است: «در اوایل ورودش، مقدسین و بعضی از مردم او را مثل یک کافر نجس‌العین می‌دانستند... فریاد مقدسین در مجالس بلند شد که آخرالزمان نزدیک شده‌است که جماعتی بابی و لامذهب می‌خواهند الفبای ما را تغییر دهند» (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۶۲-۲۶۳).

۲. «گویند چون یهود خون یحیی بریختند در کوه بیت‌المقدس هر سال مقارن آن روز، خون یحیی به جوش آمدی و خلق از مشاهده آن به خروش افتادی و همواره طلب انتقام نمودی. معلوم است در حق این مکتب خیلی ظلم بزرگی رفته که اسمش کهنه نشود و به تقریبی در روزنامه ثریا هر هفته نامبرده گردد».

افرادی چون جرج واشنگتن، کریستف کلمب، ناپلئون بناپارت و پتر کبیر نام برده‌است (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - سد مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۶-۷).

«حیدر بغدادی» یکی دیگر از مخاطبانی است که پا را فراتر گذاشته و این فعل علمای شیراز را بدتر از کشتن حضرت یحیی توسط قوم یهود می‌داند و در اثبات مدعای خود چنین می‌آورد: جرم یهودیان تنها کشتن یک نفر بوده درحالی‌که علمای شیراز با این کار خود بسیاری از ایرانیان را از نعمت علم محروم کرده و اجازه‌ی زندگی به آنان نداده‌اند؛ چراکه «ما سراسر مرده‌ایم و اطلاق حیات بر ما دریغ باشد و چیزی که سبب احیای ماست همانا افتتاح مدارس و مکاتب ملی است». همچنین معتقد است پیامدهای منفی مخالفت علمای شیراز، محدود به مدرسه انتظام‌الممالک نخواهد بود و به دلیل تهمت‌های زشت وارده بر بانی این مدرسه، دیگر کسی در شیراز برای حفظ شرف خود، جرئت اقدام به چنین کاری نخواهد داشت (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۲۴ محرم ۱۳۱۷: ۱۱).

در یکی از مطالب ارسالی از برلین به روزنامه‌ی ثریا، نگارنده مطلب بزرگ‌ترین ظلم را ممانعت از ترقی یک ملت و محروم ساختن آنان از علم و آگاهی و ممانعت از احداث مدرسه در شیراز را به‌مثابه‌ی ممانعت از احیای یک جامعه می‌داند و معتقد است خون یک ملت به گردن آن‌هاست و برای بیان شدت ظلم واردشده بر اهالی شیراز، ضمن تقسیم ظلم به لازم و متعدی، ظلم علمای شیراز را ظلم متعدی دانسته در توضیح آن می‌نویسد: «پناه بر خدا از ظلم متعدی. اگر انسان به شرب مسکرات برخیزد و ستم به نفس خویش کرده، مؤدی او فقط نفس اوست ولی چون ظلمی به اموال غیر کند ظالم متعدی باشد گروهی از وی تظلم کنند... اگر کسی امروز در ایران یا سایر ممالک شرق مانع افتتاح مدارس شود ظالم متعدی واقع شده گناه کبیره کرده هرگز توبه‌اش در پیش یزدان قبول نشود» (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۱۵ صفر ۱۳۱۷: ۱۳).

ثریا در موضوع مخالفت‌های صورت‌گرفته با مدرسه تربیت تبریز، انتقادات شدیدتری

نسبت مدرسه انتظام‌الممالک شیراز داشته و «سید محمد یزدی»^۱ مسبب تعطیلی مدرسه تربیت که بانیان این مدرسه را تهدید به «نفی بلد» کرده بود، در معرض شدیدترین انتقادات از سوی شخص مدیر روزنامه قرار گرفته تا جایی که از او با عناوینی چون «جاهل در لباس علم»، «در شقاوت بدتر از شمر»، «ناخلفی در لباس سیدی هاشمی»، «اهریمن ژاژخای»، «دیو ناپارسای»، «فاسق فاجر قاتل»، «زانی ظالم»، «فاجر مردود»، «مردود نمرد»، «واعظ یزدی خونریز»، «خائن جابر» و «دارای صفات بهیمه و طبیعت رذیله» یاد کرده از خداوند برای وی آرزوی جهنم می‌کند^۲ (ثریا، «دارالسلطنه تبریز»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۷؛ «مویه ثریا بر جگرگوشه گان وطن»، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: ۱۰-۱۲؛ «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: ۱۴؛ «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۱۳؛ «ثریا»، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: ۱۳).

میرزا علی‌محمد خان کاشانی در واکنش به این اتفاق، سابقه زندگی این روحانی را بیان کرده می‌نویسد: «ای ولدالزنا سرت بر دار، و تنت در نار باد، به منطوق کدام آیه از آیات قرآن شریف و فحوای کدام حدیث از احادیث منیف، تعلیم و تربیت اطفال حرام باشد و پرستاری یتیمان گناه نماید؟ یکی از روی دینداری نگوید های ای اهریمن ژاژخای و دیو ناپارسای، هنوز خون ناحق جنگی شاه و فرزند معصومش که به تحریک تو ریخته شد از مکه خشک نشده و کفن خونین آن بیچارگان نبوسیده، هنوز سرانگشت تو به خون ایشان خضاب و هنوز دل خویش و بیگانه بر حال زار ایشان کباب است... خدا زیانت قطع کند. خون شخصی بریختی این گناه بس نبود که حال به مرگ ابدی خلقی کمر بسته‌ای». در همین مطلب برای تحریک اهالی تبریز و حکومت این شهر، آنان را موردانتقاد قرار داده که چرا اجازه ورود فردی با چنین سابقه‌ای را به تبریز داده‌اند و واکنشی درباره تحرکات وی در تبریز انجام نمی‌دهند (ثریا، «مویه ثریا بر جگرگوشه گان وطن»، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: ۱۰-۱۲). البته به این موضوع نیز اشاره می‌کند که «پاکی طینت» گردانندگان ثریا، مانع از این شده

۱. وی از روحانیون سنت‌گرا و مخالفان شناخته‌شده نوسازی آموزشی و تأسیس مدارس جدید در تبریز بوده‌است.

۲. فخرالدین رشدیه وی را عامل اصلی تهییج مردم در تخریب بسیاری از مدارس تبریز چون کمالیه، لقمانیه و رشدیه عنوان و از وی با عناوینی چون «عالم‌نما»، «فته‌گر معروف»، «یکی از وعاظ غیرمتعظ» و «از عالمان بی‌عمل» یاد کرده‌است (رشدیه، ۱۳۷۰: ۳۳-۳۲ و ۹۲-۹۳).

که تمام افعال زشت او را در صفحاتش ذکر کند (ثریا، «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۸).

انتقادات تندی که واکنش‌هایی از سوی برخی ایرانیان به همراه داشته، برای نمونه یکی از ایرانیان ساکن بمبئی به دلیل آنچه آن را تهمتی ناروا به این «روحانی جلیل‌القدر» می‌داند، مدیر روزنامه را مورد انتقاد قرار داده؛ انتقادی که ثریا در جواب، صاحب آن را به روزنامه حیل‌المتین هندوستان ارجاع داده و می‌نویسد: «اگر این شخص جلیل‌القدر می‌بود و حامی و حافظ اسلامی، هرگز چنین روزنامه محترمی درباره وی به‌زشتی سخن نمی‌راند» (ثریا، «ثریا»، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۴) و قلم روزنامه‌نگاران و جرّاید منتقد افعال این روحانی یزدی را خواست خدا دانسته و به «ذوالفقار حیدر» تشبیه می‌کند که بدون ترس درباره او افشاگری می‌کند تا «یک‌یک قبایح افعال وی برشمارند و بر خواص و عوام سرگذشت وی بنمایند» (ثریا، «لیس للانسان الا ما سعی»، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۱۳-۱۴).

علاوه بر چنین مواردی، موضوع آموزش زنان و مخالفت‌های صورت‌گرفته با آن نیز مورد توجه قرار گرفته‌است. به‌طور کلی در دوره قاجار و در باور عمومی، سوادآموزی زنان مخالف نصّ صریح اسلام و خطری برای جامعه قلمداد می‌شد؛ باوری که از سوی برخی روحانیون همواره مورد تأکید قرار می‌گرفته‌است.^۱ بنابراین بایستی ورود ثریا به چنین موضوعی را با توجه به شرایط حاکم بر جامعه که هنوز در برابر ورود علوم جدید و تأسیس مدارس نوین حتی برای پسران مخالفت می‌کرد و همچنین باور عامه مردم ایران درباره تعلیم و تربیت زنان، تحلیل و بررسی نمود.

مهم‌ترین مطلب ثریا در این باره مقاله‌ای تحت عنوان «مقاله مخصوصه - مصاحبه» است. نگارنده این مطلب مخالفان تحصیل زنان را با عنوان «جهال در لباس علم» مورد خطاب قرار داده، درباره چرایی چنین مخالفتی می‌نویسد: «بعضی از جهال در لباس علم گویند تربیت و تعلیم نسوان در شرع شریف جایز نباشد و اگر در مدارس دخترها مانند پسرها علم فراگیرند و هنر آموزند بر ارکان عصمتشان خلل افتد و ناموسشان پایمال گردد. زن را

۱. البته در منابع از آموزش دختران طبقه ثروتمند جامعه سخن به میان آمده‌است. این زنان و دختران خاندان‌های درباری و اشراف، با به خدمت گرفته شدن معلمان سرخانه آموزش می‌دیده‌اند (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

انسان شمردن و وی را دارای هوش دانستن خطاست. دیگر اگر نسوان کتابت کردن بدانند شیطان زود بر عقل ایشان دست یابد، چون زن ناقص عقل است و زود وسوسه ابلیس دروی تأثیر کند و آنچه آموخته در غیرموقع استعمال نماید» (ثریا، «مقاله مخصوصه - مصاحبه»، ۱۹ ذی حجه ۱۳۱۶: ۱۲).

خوانش ثریا از اهداف جریان‌های مخالف مدارس جدید

چرایی مخالفت‌های صورت‌گرفته با مدارس جدید از سوی برخی نهادهای سنتی و روحانی، موردتوجه طرفداران نظام آموزشی جدید بوده‌است؛ مخالفت‌هایی که اغلب با استدلال‌هایی مذهبی و با نگرانی از تغییر سبک زندگی و ارزش‌های رایج توجیه می‌شد، اما در واقعیت زمینه‌ای برای حفظ قدرت و نفوذ اجتماعی و کنترل هرچه بیشتر عامه مردم را فراهم می‌کرد. موضوعی که از نگاه ثریا نیز دور نمانده و این روزنامه خود یکی از جریانانی است که تحلیلی جدی و صریح از انگیزه‌ها و اهداف مخالفان مدارس جدید ارائه کرده‌است.

ثریا علاوه بر اشاره به پیامدهای مخالفت‌های صورت‌گرفته با مدارس جدید، در مطالبی به لعن این طیف از علما اقدام نموده، آنان را موردحمله قرار داده و اعلام می‌کند چنین علمایی برخلاف ادعای خودشان، دغدغه شریعت ندارند و این مخالفت‌ها در جهت اغراض شخصی است (ثریا، «ثریا»، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۹) و ترس این طیف از علما نه آسیب دیدن شریعت، بلکه آگاه شدن مردم است؛ چراکه به‌درستی متوجه گردیده‌اند تا زمانی می‌توانند سلطه و سروری خود بر ایرانیان و تبعیت آنان از خود را تداوم بخشند که مردم در جهالت باقی بمانند و ضمن ظالم خواندن روحانی یزیدی در تبریز که مانع از گشایش مدرسه تربیت شده بود، وی را مخاطب خود قرار داده می‌نویسد: «خدا روزت سیاه کناد ظالم شقی، مردم تربیت نشوند و علم نیاموزند و در وادی جهالت بمانند تا مانند تو و امثال تو فاسق فاجری را تمکین کنند و بر ظلم و جور گردن نهند. بکدام وجدان راضی شوی که قومی را در هلاکت اندازی تا خویش دو روز در راحت مانی» (ثریا، «مویه ثریا بر جگرگوشه‌گان وطن»، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: ۱۱؛ «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۸).

البته چنین انتقادات تندی نسبت به علما، واکنش برخی از مخالفان دیدگاه‌های ثریا را به دنبال داشته با ارسال مکتوب‌هایی، روزنامه را متهم به داوری نادرست کرده و معتقدند که



مدیر ثریا به دلیل دوری از ایران، عدم احاطه کامل بر موضوع و بدون آگاهی از علت اصلی مخالفان تأسیس مدارس جدید، چنین انتقاداتی را بیان کرده‌است. برای نمونه آقا میرزا ابوالقاسم طباطبایی در مکتوبی خطاب به مدیر آن می‌نویسد: «جناب شما از این مملکت دور افتاده‌اید... اخبارنگاران آن جناب هم مسلم است خالی از ملاحظه نیستند.» وی در ادامه بیان می‌کند نمی‌تواند اتهامات وارده بر برخی از مؤسسان مدارس را بی‌پرده بیان کند، مطالبی در این باره و «در پرده» آورده و می‌نویسد: «رئیس اداره باید بی‌غرض و خداترس باشد و مباشرین باید مردمان درست بی‌عیب باشند... و قلوب عامه را به سوی خود جذب نمایند. مثلاً باید دانست رئیس فلان مدرسه کیست و مذهبش چیست و به چه غرضی پای در این کار نهاده و از این اقدام چه نتیجه می‌خواهد یا فلان معلم پایه دانشش به چه اندازه و صحت عملش به چه پایه و حال سایر مباشرین را باید دانست تا عامه خلق از روی اطمینان و شوق اطفال خود را بسپارند» (ثریا، «صورت مقاله»، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۳).

یکی دیگر از مخالفان نظر ثریا ضمن بیان اینکه مدارس جدید به نام تمدن، افراد لاابالی، بی‌دین و فرنگی‌مآب تربیت می‌کنند، دلیل مخالفت‌های صورت گرفته و عدم رغبت ایرانیان به مدارس را چنین پیامدهایی می‌داند. مخاطب مذکور که خود را «الحاج علی نقشینه» معرفی کرده، ضمن بیان آگاهی از چنین پیامدهایی و محروم نمودن فرزندان از «لذت حیات دیانت و انسانیت» اجازه حضور پسران خود را در این مدارس نداده، معتقد است این مدارس «کاری پیش گرفتند و در غیر موضوع خویش استعمال کردند، از آن، نتیجه برعکس بخشید» (ثریا، «مکتوب از اصفهان»، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۱-۱۰)؛ مطلبی که ثریا ضمن تأیید آن، مخالفت خود را با تعمیم رفتار «دو نفر جاهل دیوانه» به دیگر محصلان مدارس جدید اعلام نموده، معتقد است نایستی چنین اشخاصی را معیار فایده‌ی مدارس قرار داده و دیگران را از لذت این مدارس و کسب تمدن محروم ساخت (ثریا، «ثریا»، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۲).

البته نکته‌ای که از نظر ثریا عامدانه و یا از روی ناآگاهی دور مانده‌است، این است که روحانیون به عنوان قشر پرنفوذ و یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع در جامعه سنتی آن روز ایران، عموماً نگرششان در چارچوب جهان‌بینی دینی و مشخصاً در چارچوب شریعت و سنت

اسلامی تعریف شده بود. همین جهان‌بینی سبب ایجاد هراس در میان گروهی از علما گردیده، آنان را به این نتیجه رساند که رواج مدارس جدید می‌تواند پایه‌های اعتقادی مسلمانان را متزلزل سازد. به همین دلیل نمی‌توان دلایل ذکرشده توسط ثریا را به‌عنوان تنها دلیل چنین مخالفت‌هایی دانست.

راهبردهای ثریا در مواجهه با مخالفان مدارس جدید

مخالفت و مقاومت‌های برخی نهادهای سنتی و علمای مذهبی، برخی فعالان آموزشی و روزنامه‌نگاران نوگرا را بر آن داشت تا راهکارهایی برای حفظ و توسعه این مدارس بیابند. ثریا نیز تلاش‌های خود را محدود به نقد مخالفان نکرده و برای مقابله با این مخالفت‌ها، راهکارهای متعددی چون درخواست مقاومت بیشتر از سوی بانیان مدارس، درخواست تعیین وضعیت شرعی مدارس جدید از سوی علمای اعلام و همچنین استناد به شریعت را آزموده‌است.

میرزا علی‌محمد خان در واکنش اولیه به خبر ممانعت علمای شیراز در برابر افتتاح مدرسه ایام این شهر، ضمن انتقاد غیرمستقیم از مسببان این عمل و متذکر شدن سرنوشت علمای مسیحی در مغرب‌زمین به آنان، بانی این مدرسه را مخاطب قرار داده، انصراف وی از تصمیم خود را موردنقد قرار داده‌است و ضمن بیان اینکه انتظام‌الممالک نباید صرفاً به‌خاطر یک پیغام واصله از «خیال مقدس» خود منصرف می‌شد، معتقد است بایستی او و همراهانش حتی به قیمت جان و در قبال احیای «هزارها نفوس» ایران، در مقابل این پیام مقاومت می‌کرده‌اند؛ چراکه «سالک نباید از صدای رعد بترسد و از جستن برق خوف کند».

مدیر ثریا برای اثبات مدعای خود، تاریخ مغرب‌زمین و تلاش‌های صورت‌گرفته برای اصلاح وضعیت غرب را به‌عنوان نمونه آورده و می‌نویسد: «مگر تاریخ ناپلئون نخوانده‌اید و رفتار پطر کبیر را نشنیده‌اید که برای حب وطن از فرزند دل‌بند گذشت. مگر از نفوذ پاپ در قرن هفدهم و هجدهم بی‌خبرید که رؤسای روحانی به نیابت حضرت پاپ بهشت می‌فروختند و جهنم بسوختند. چه شد امروز پدر معنوی و ظاهری اهالی کثیره روس اعلیحضرت نیکلای دوم و خیرخواهان وطن شدند و عمارت دوازده هزار اطاق پاپ در روم خالی افتاد و املاک و خزانه که از خون دل یتیمان گرد آورده بود پریشان و دعوی

معصومیت باطل گشت. این تبدلات تمام از کوشش سلاطین اروپ و بزرگان غیرتمند وطن‌دوست بود^۱ (ثریا، «ثریا»، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۶: ۸).

یکی از مخاطبان ثریا از «بزانشون» اعتقاد بر این دارد که عدم مقاومت بانیان مدارس نشانه این است که خود این افراد هم در پی بهانه و دستاویزی برای تعطیل کردن مدارس هستند و بانیان این مدارس را به پایداری و ثبات‌قدم در مقابل مخالفت‌ها دعوت کرده و به ذکر نمونه‌های مشابه در غرب و مقاومت غربی‌ها در برابر مخالفت‌های صورت‌گرفته و اصلاحات می‌پردازد (ثریا، «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷: ۱۶).

راهکار هوشمندانه دیگر ثریا در این باره، درخواست تعیین تکلیف حکم شرعی مدارس جدید از سوی علمای اعلام و اعلام قبول فعل علمای مخالف یا رد آن از سوی آنان است. «علمای اعلام و راشدین دین مبین» را مخاطب قرار داده و از آنان می‌خواهد که برای همیشه نظر قطعی خود را درباره مدارس جدید اعلام کنند تا ایرانیان تکلیف خود بدانند، وانگهی اگر آن را حرام و مکروه می‌دانند، خودشان برای رفع فلاکت و بی‌علمی ایرانیان چاره‌ای بیندیشند و آنان را از این وضعیت نجات دهند و اگر هم مخالفتی ندارند، اجازه بدنام کردن شریعت را به برخی از علما در کسوت روحانیت ندهند. نگارنده مطلب علی‌رغم اشاره نکردن به نام روحانی یزدی مخالف تأسیس مدرسه، از وی با عنوان «فاجر قاتل» یاد کرده و خطاب به علمای اعلام می‌نویسد: «...چرا باید رضا شوند شخصی چنین که دود سیئاتش عالمی را سیاه کند بگفتار این‌گونه مزخرفات بر رؤوس منابر اقدام نماید و آبروی دیگران بریزد^۱» (ثریا، «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۹). هرچند در مطالب بعدی و تحت‌تأثیر خبر حمایت‌های آیت‌الله طباطبایی از تأسیس مدارس جدید در تهران و ارسال مکتوبی از سوی آقا میرزا ابوالقاسم فرزند آیت‌الله طباطبایی به ثریا، چنین نتیجه می‌گیرد که اکثریت علمای حقه مانعی در برابر تأسیس مدارس جدید نیستند و

۱. به نظر می‌رسد تحلیل محبوبی اردکانی در این باره کارساز باشد. وی بر این اعتقاد است علی‌رغم عدم ممانعت گروهی از علمای بزرگ با این طیف از مدارس، طلاب علوم دینی معترض به مدارس جدید چون هرکدام به یکی از روحانیون دلبستگی داشتند و قسمتی از رونق دستگاه روحانیون به وجودهمین طلاب بستگی داشت، آنان می‌توانسته‌اند این علما را به‌عنوان حمایت از شریعت به مخالفت با مدارس جدید وادارند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ۳۹۶/۱).

بایستی در این موضوع میان «علمای حقه» به‌عنوان موافقان مدارس جدید و «جهال در لباس علم» مخالف چنین مدرسی بودند، تمییز قائل شد^۱ (ثریا، «بقیه مقاله المدارس - من احیایا فکانما احیاء الناس جميعا»، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۵-۱۶؛ «مقاله مخصوصه - مدارس - من احیایا فکانما احیاء الناس جميعا»، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۶: ۱۳؛ «هموطنان را مژده و بشارت»، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۳).

یکی از راهکارهای ثریا در این باب استناد به شریعت اسلام برای بی‌اعتبار ساختن بهانه‌های مذهبی این طیف از علما در باب مدارس جدید است.^۲ به عبارت ساده‌تر برای اقناع ایرانیان و همچنین مقابله با مخالفانی که مدارس جدید را در تقابل با شریعت اسلام می‌دانسته‌اند، از همان ابزاری بهره برده که این طیف از مخالفان بهره‌مند بوده‌اند. «أُطْلِبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»، «النَّاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ»، «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»، «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» و «الْعِلْمُ عِلْمَانِ، عِلْمُ الْأَبْدَانِ وَ عِلْمُ الْأَدْيَانِ» از جمله احادیثی است که در باب فضیلت علم و لزوم توجه ایرانیان به علوم و کسب آن در مدارس جدید، به آن‌ها متوسل شده‌است (ثریا، «مکتوب از بغداد»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۸؛ «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - سد مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۶؛ «خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا»، ۲۴ محرم ۱۳۱۷: ۱۱؛ «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۸). در تشویق ایرانیان برای کمک مادی به مدارس^۳ به همین ابزار متوسل شده و کمک به مدارس را به‌عنوان توشه آخرت و نیکوترین کارهای خیر معرفی کرده‌است^۴ (ثریا، «مکتوب شهری»، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۶؛ «قل لا اسالکم علیه اجرا الا الموده فی القربی»، ۳ جمادی‌الاول

۱. میرزا علی‌محمد خان کاشانی از آیت‌الله طباطبایی با عنوان «حضرت مستطاب غوث‌الاسلام، کشف‌الانام، پدر یتیمان، غمخوار بیچارگان، آقای آقا سید محمد دامت ایام افاضاته» یاد کرده‌است.

۲. بانیان برخی مدارس برای رفع شبهه شرعی علما در باب مدارس جدید، روند کار مدرسه را به آگاهی علما رسانده و به اشکال مختلف سعی در بیان عدم تباین این مدارس با شریعت اسلام داشته‌اند (صدیق، ۱۳۳۸: ۳۴۳؛ رشدیه، ۱۳۷۰: ۳۹-۴۰).

۳. میرزا علی‌محمد خان در موضوع اعانه علاوه بر تشویق ایرانیان به این امر، داوطلبانه مسئولیت جمع‌آوری اعانه برای مدرسه سادات تهران را بر عهده گرفته بود (ثریا، «تشکر و امتنان»، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۴-۵).

۴. به نظر استفاده از این راهکار توسط ثریا، مقابله با نظرات کسانی بود که در داخل ایران اعانه به مدارس را حرام اعلام کرده. چنانچه در فتوایی منتشره در تبریز و منتسب به علمای نجف و کربلا، کمک مالی به مدارس حتی اجازه دادن مکان برای تأسیس مدرسه، «حرام»، «از اکبر کبائر» و «محرابه با حضرت امام زمان» اعلام شده بود (ناطق، ۱۳۷۵: ۷۶).

۱۳۱۷: ۳؛ «اعلان مدرسه سادات»، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۱۶؛ «تشکر و امتنان»، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷: ۴-۵).

برای نمونه روزنامه در مطلبی ضمن استناد به حدیثی از امام علی(ع) با عنوان «اَلْعِلْمُ عِلْمَانُ؛ عِلْمُ الْاَبْدَانِ وَ عِلْمُ الْاَدْيَانِ»، با تعمیم «علم‌الابدان» به تمام علوم دنیوی، از طرفداران شریعت که به مخالفت با تحصیل علوم دنیوی و به تبع آن مدارس جدید می‌پرداخته‌اند، می‌پرسد: «از آنکسان که امروز مانع افتتاح مدارس ملی به طرز جدید می‌شوند از روی انصاف استفسار می‌کنیم که از برای خدا معنی علم ابدان چیست که امیر مؤمنان فرموده تحصیلش واجب است یا مکروه؟ اگر واجب است علت منع آن چیست و به کدام آیه در سد وضع آن مستمسک‌اید که معنی آن بر ما مستور مانده و بر شماها کشف شده‌است؟» (ثریا، «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۹). «حیدر بغدادی» از مخاطبان ثریا نیز با استناد به چندین آیه قرآن و حدیث،^۱ ضمن «مؤید و مقوی» خواندن تحصیل علوم جدید برای شریعت، مخالفان متشرع علوم و مدارس جدید را به مناظره‌ای عقلانی، با اقامه ادله و براهین دعوت می‌نماید (ثریا، «منافع و خساره‌الجهاله»، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷: ۹-۱۱).

البته ثریا در این باره، به نظر عامدانه و برای تأثیرگذاری بیشتر، علم جنگ و لزوم آموختن آن را بیان کرده تا از این میان عدم آموختن علوم جدید، استعمار ایران و در نتیجه آسیب دیدن شریعت ارتباط برقرار کند؛ چراکه به گفته روزنامه، جهاد و دفاع در دین اسلام از فرایض است اگر ایرانیان علم جنگ جدید را نیاموزند، با شمشیر رایج در عصر نبوی قادر به مقابله با «توپ کروپ که ساعتی هفتصد گلوله از دهان وی چون تگرگ فرومی‌ریزد» نخواهند بود همین امر نتیجه‌ای جز شکست مسلمانان در پی نخواهد داشت. همان اتفاقی که برای سودانی‌های مسلمان در برابر انگلیسی‌ها افتاده «در ظرف بیست دقیقه زیاده از سی‌هزار سوار نیزه‌دار و شمشیردار سودان چون برگ خزان بر خاک هلاکت ریخته‌اند.» اگر

۱. نگارنده به چندین حدیث از امام علی(ع) و یک حدیث از پیامبر اسلام و آیه ۲۶۹ سوره بقره اشاره کرده و معتقد است اگر می‌خواست تمام آیات و احادیث مرتبط را ذکر کند «مثنوی هفتاد من کاغذ» می‌شده و به همین دلیل به ذکر همین آیات و احادیث اکتفا کرده‌است.

ایرانیان در تأسیس مدارس جدید و آموختن علم جنگ تعلل بورزند، استعمارگران پخش اذان در مساجدشان را ممنوع خواهند کرد و به مرور مذهبشان نیز از بین خواهد رفت (ثریا، «زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت»، ۲۲ صفر ۱۳۱۷: ۹-۸؛ «خون یحیی و تلال بیت المقدس - مدرسه انتظام الممالک و متن ثریا»، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۱۷: ۱۵). به طور کلی علم آموزی انگلیسی‌ها و تحصیلشان در مدارس جدید، نه تنها استیلای آنان بر ممالک اسلامی را به دنبال داشته بلکه دین و آیین آنان نیز به مرور زمان قوی‌تر گشته است^۱ (ثریا، «مویه ثریا بر جگر گوشه گان وطن»، ۲۹ صفر ۱۳۱۷: ۱۱).

در باب استدلال علما درباره کفر بودن تحصیل زبان خارجه دست به دامان شریعت گردیده و سعی دارد تا با ابزار شریعت به اثبات عدم تباین آموزش زبان خارجه با شریعت اسلام بپردازد. در این باره «محمدعلی خان کاشانی» نامی در مطلبی تحت عنوان «مکتوب از بغداد»، ضمن اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام در باب فضیلت آموزش زبان‌های دیگر، سعی در رد ادعای این طیف از روحانیون دارد. با درج حدیث «مَنْ عَرَفَ لِسَانَ قَوْمٍ آمِنَ مِنْ شَرِّهِمْ»، آموختن زبان خارجه را مستحب اکید دانسته و نتیجه می‌گیرد «درس لسان خارجه آموختن کفر نباشد و آن کسانی که مانع اجرای آن شده‌اند کفر گفته‌اند.» همچنین به ذکر مثالی از تاریخ اسلام مبادرت ورزیده و می‌نویسد: «یکی از دول اسلامی با دولتی اجنبی بنای جنگ گذاشتند. جاسوس لازم است تا از وضع اردوی دشمن اطلاع حاصل کرده خبر دهد. اگر زبان نداند چه خواهد کرد؟ بر اهل خبر و صاحبان تاریخ پوشیده نیست که هنگام جهاد اسلام با یونان^۲ یقیناً جاسوسان اسلام زبان یونانی می‌دانستند، چه از حرکات دشمن دائم خبر می‌دادند و همواره از صدمه قشون دشمن بدین واسطه در امان بودند» (ثریا، «مکتوب از بغداد»، ۱۰ محرم ۱۳۱۷: ۷-۸).

۱. در استدلال دیگری شیوع دین اسلام در ممالک خارجه را منوط به مدارس جدید کرده و می‌نویسد: «در صد سال قبل که تمدن در اروپا رواجی نداشت، احدی به دنبال اشاعه دین مسیحیت نبود و امروز اقلأ سالی صد میلیون فقط آمریکا صرف مخارج داعیان دین مسیح در آفریقا و آسیا و اروپا می‌نماید و همه این مصارف بر این است که دین خویش را رواج دهند و آداب مذهب بر مردم بیاموزند و به اعتقاد خویش مردم را هدایت کنند. امروز تمدن به درجه کامل در کلیه اسلام مقفود است، رعایت دین خویش ننمایند و در خیال بسط شریعت غرای محمدی و انتشار نور مبین احمدی نباشند... جهت همان فقدان مدنیت و مدنیت حاصل نشود بجز از تحصیل علوم و فنون جدید و برای تحصیل علوم نیز مدارس لازم است و بدون مدرسه کار از پیش نرود» (ثریا، «ثریا»، ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۷: ۱۲).

۲. به نظر می‌رسد منظور نگارنده جنگ‌های میان سپاه اسلام و امپراطوری روم شرقی بوده‌است.

روزنامه در باب آموزش دختران علاوه بر استدلالات عقلی و ذکر پیامدهای آموزش زنان در غرب، به حدیث نبوی «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» استناد کرده و معتقد است پیامبر اسلام در این حدیث زنان را نیز در امر تحصیل و آموزش با مردان سهیم قرار داده‌است. همچنین با ادبیات طعنه‌آمیز و بدون ذکر نامی از علما، تأکید می‌کند اگر کسی به زبان عربی آشنا باشد متوجه خواهد شد فریضه به معنای «تأکید در واجب» است و چنین نتیجه می‌گیرد اگر مردان ایرانی مسلم و زنانشان مسلم‌ه هستند، بایستی این حدیث نبوی درباره آنان نیز صدق کند (ت‌ریا، «بقیه مقاله مخصوصه - مصاحبه»، ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۱۶: ۱۵).

نتیجه

مطالعه روزنامه‌ت‌ریا نشان می‌دهد که این نشریه برون‌مرزی، با بهره‌گیری از فضای مساعد مطبوعاتی در قاهره، رویکردی انتقادی، تحلیلی و حمایتی در مواجهه با مخالفان مدارس جدید اتخاذ کرده‌است. روزنامه با ادبیاتی صریح و گاه بسیار تند، مخالفت‌های برخی علما و طرفداران سنت را برجسته می‌کند و آن‌ها را نه تنها ناشی از نگرانی‌های مذهبی، بلکه در بسیاری موارد مبتنی بر اغراض شخصی و تلاش برای حفظ سلطه اجتماعی می‌داند. ت‌ریا معتقد است هدف اصلی این مخالفان جلوگیری از آگاهی عمومی و نگه‌داشتن مردم در جهالت بوده‌است تا نفوذ و اقتدار خود را حفظ کنند.

درعین‌حال، ت‌ریا راهکارهایی عملی برای مؤسسان مدارس جدید ارائه می‌دهد. روزنامه با ارجاع به تجربه‌های تاریخی اصلاحات آموزشی در غرب و روند روشنگری، مؤسسان را تشویق می‌کند تا در مسیر خود پایداری و ثبات قدم داشته باشند. حتی در مواجهه با تهدیدها و مقاومت‌ها، تلاش برای تربیت نسل آینده و توسعه آموزش نباید متوقف شود. این توصیه‌ها نشان می‌دهد که ت‌ریا تنها نقش یک ناظر انتقادی را ایفا نمی‌کند، بلکه با ارائه راهنمایی‌های عملی سعی دارد روند تثبیت اصلاحات آموزشی را در ایران تسهیل کند. یکی دیگر از ابزارهای ت‌ریا، بهره‌گیری هوشمندانه از آموزه‌های شرعی و استناد به آیات و روایات اسلامی است. این استناد، سعی در نشان دادن مشروعیت مدارس نوین را برای جامعه ایرانی و خصوصاً علمای دین روشن می‌کند و نشان می‌دهد که مدارس جدید نه تنها با اصول دینی

همخوانی دارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان بازوی تقویت‌کننده شریعت و ارزش‌های اسلامی عمل کنند.

درمجموع، رویکرد ثریا ترکیبی از نقد روشن، تحلیل انگیزه‌های مخالفان، ارائه راهکارهای عملی و استناد به آموزه‌های دینی است. چنین رویکردی به مخاطبان امکان می‌دهد تا با درکی عمیق‌تر از زمینه‌ها و ریشه‌های مخالفت‌ها، ضرورت نظام آموزشی نوین و اهمیت پایداری در مسیر آموزش و آگاهی عمومی را دریابند.

منابع

کتاب‌ها

- ارفع‌الدوله (۱۳۴۵)، *ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)*، تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.
- امید، حسین (۱۳۲۲)، *تاریخ فرهنگ آذربایجان*، ج ۱، تبریز: چاپخانه فرهنگ.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۷۷)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۲، ترجمه محمد عباسی، تهران: کانون معرفت.
- بلوشر، ویپرت نون (۱۳۶۳)، *سفرنامه بلوشر (گردش روزگار در ایران)*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- بنجامین، سمیوئل گرین ویلر (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان عهد ناصرالدین‌شاه*، ترجمه حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۸۰)، *پیشینه آموزش و پرورش در کردستان*، زیر نظر فاروق داوود پور، تهران: نشر عابد.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵)، *زن در دوره قاجار*، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: عطار و فردوسی.
- رشیدی، فخرالدین (۱۳۷۰)، *زندگی‌نامه پیر معارف رشیدی بنیانگذار فرهنگ نوین ایران*، تهران: هیرمند.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۴)، *سوسمارالدوله*، تهران: دنیا.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷)*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲)، *اعزازم محصل به خارج از کشور در دوره قاجار*، تهران: بنیاد.
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جرائد و مطبوعات ایران*، ج ۲، اصفهان: کمال.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۸)، *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*، تهران: دانشگاه تهران.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۰)، *یادگار عمر*، تهران: سازمان سمعی و بصری.

- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳). *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران: شرکت سهامی جیبی.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، بنیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (از ۱۲۵۳ هـ ق تا صدور فرمان مشروطیت)*، ج ۱، تهران: آگاه.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ناطق، هما (۱۳۷۵). *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*، پاریس: خاوران.

مقاله‌ها

- آبسالان، صادق (۱۳۹۸)، پروبلماتیک شدن گفتمان آموزش در ایران و آغاز منازعه گفتمانی پیرامون نهاد آموزش در دوره قاجار، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۱ (۲)، ۱۰۳-۱۲۸. Doi:10.22035/isih.2019.3088.3399
- خسروی زارگز، مسلم (۱۳۸۶). بررسی روند فراز و فرود روزنامه *ثریا*، *یاد*، تهران: (۸۴)، ۲۱-۳۹.
- رادمرد، محمد و حجازی، سید نصرالله (۱۳۹۶). تلقی روزنامه حکمت از لزوم مدارس جدید، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۸ (۳)، ۶۸-۸۹.
- زارعی، ستار و زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۷). نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران دوره قاجار از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر، *مطالعات تاریخ اسلام*، ۱۰ (۳۸)، ۱۳۷-۱۱۵.
- مشایخی، احمد (۱۳۸۹). تحولات آموزشی نوین در عصر قاجار و تأثیر آن بر گسترش تأسیس مدارس در بوشهر. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، تبریز. ۱ (۱)، ۱۰۵-۱۱۰.
- محمدی، محمود (۱۳۹۴). روحانیون و مدارس جدید ایران، *تربیت اسلامی*، ۱۰ (۲۱)، ۱۰۷-۱۳۰.

روزنامه‌ها

- ارکان بنای مدنیت، ۵ شعبان ۱۳۱۶.
- اعلان مدرسه سادات، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷.
- الناس موتی و اهل‌العلم احیاء، ۲۷ رجب ۱۳۱۶.
- بشارت و تبریک، ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۱۶.
- بقیه مقاله المدارس - من احیاءها فکانما احیاء الناس جميعا، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷.
- بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی، ۸ شوال ۱۳۱۶.
- بقیه مقاله مخصوصه - مصاحبه، ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۱۶.
- تشکر و امتنان، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- ثریا، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- ثریا، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۶.
- ثریا، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷.
- ثریا، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷.
- ثریا، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷.
- ثریا، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷.
- خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - سد مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا، ۱۰ محرم ۱۳۱۷.
- خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا، ۱۵ صفر ۱۳۱۷.
- خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۱۷.
- خون یحیی و تلال بیت‌المقدس - مدرسه انتظام‌الممالک و متن ثریا، ۲۴ محرم ۱۳۱۷.
- دارالسلطنه تبریز، ۲۲ صفر ۱۳۱۷.
- دارالعلم شیراز، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۶.

- زاری ثریا بر تفرقه امت و فلاکت ملت، ۲۲ صفر ۱۳۱۷.
- صورت مقاله، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- قل لا اسالکم علیه اجرا الا الموده فی القربی، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- مقاله مخصوصه - مدارس - من احیایها فکانما احیاء الناس جمیعاً، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۶.
- مقاله مخصوصه - مصاحبه، ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۱۶.
- مقاله مخصوصه، ۲۸ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶.
- مکتوب از اصفهان، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷.
- مکتوب از بغداد، ۱۰ محرم ۱۳۱۷.
- مکتوب شهری، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.
- منافع‌العلم و خساره‌الجهاله، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷.
- مویه ثریا بر جگرگوشه‌گان وطن، ۲۹ صفر ۱۳۱۷.
- هموطنان را مژده و بشارت، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷.